

## انقلاب خیالی در عرصه خصوصی سازی!

عادت به انقلاب خیالی نظام مدیریتی کشور را سترون کرده است. همیشه به دنبال معجزه ای مستحکم که مشکلات را یک شبه ناپدید کند. برای رونق رویی با مسائل نیاز به جوهره... تغییر و کارگرو می داریم. ولی تجربه نشان می دهد که این مولفه ها را چندی نمی گیریم و بسه این دلیل از طریق آزمون و خطا های مکرر منابع را دچار اتلاف و تیر و های قحان را گرفتار افسردگی می کنیم.

مدت ها است و از خصوصی به عنوان کلمه رمزی که می تواند ضعف های سازمانی و مدیریتی را برطرف کند و اقتصاد ملی را نجات دهد بر سر زبان ها است. آن چنان سفت و سخت به قدرت آن ایمان آورده ایم که کوچک ترین چند و چون درباره آن را مردانه می دانیم. به نظر می رسد عادت خیالی ما با مفاهیم فاصله گیری، انتقادات بگیریم و بسا و قوف کامل بر آنها راه را از بیراه تشخیص بدهیم و بدینیم هیچ روشی بدون نگاه باطلانه دانشمندان، به خود فرستادن و ذهابینه کردن فرهنگی که آن را مورد حمایت قرار می دهد، نمی تواند منجر به حل مشکلاتی شود.

اساس خصوصی سازی تحریک مفهده طلبی افراد است. در فضای رقابتی کارگران فردی برای باز یافت سود بخش تر به تحریک، خلاقیت و نوآوری میدان می دهند تا منافع بیش تری را به دست آورند. در رقابت بین کارآفرینان فردی جامعه در معرض سود و زیان قرار می گیرد.

فرهنگی که ششمان خصوصی سازی را بسازد می دهیم، هجوم بی سابقه ای را از لحاظ فرهنگی به سودخواهی شخصی وارد می آوریم. پولدار بودن را مفهوم می شماریم و از قناعت ستایش می کنیم و از یاد می داریم این دو پدیده متعارض با هم را نمی توانیم با هم داشته باشیم. در اقتصاد رقابتی نباید مصرف را تحریک کرد چرا که سود افزون تر در مصرف بیش تر است. اما رسانه های ما آدم پر مصرف را منفی جلوه می دهند چون پایه های واقعی اندیشه خصوصی سازی را نمی شناسیم در عمل کارگزاران آن را به نمایش می گذاریم، به جای کارآفرینان کار را به آقا زاده ها، جناب زاده ها و... می سپاریم و چون کار به نتیجه نمی رسد، افکار عمومی با هر نوع خصوصی سازی مخالفت می کند.

در سازمان ها خصوصی سازی در قالب ایجاد شرکت ها تحقق می یابد. همان مدیران زمام امور را به دست می گیرند و به جای این که افراد خلاق و فعال میدان را از آن خود سازند تا کارایی و بهره وری مطلوب تحقق یابد صاهیمان قدرت به پول و پوله می رسند. بدون دغدغه سفر می روند، حقوق کلان می گیرند و باقی اقسایا.

وقتی با این وضعیت روبه رو می شویم باید به افکار عمومی حق بدهیم این روش ها را برنمایند و بدان مخالفت کنند، مشکل راه حل ساده ای دارد. نباید نظارت عمومی در مورد خصوصی سازی شکل بگیرد. رسانه ها با مساله گلاویز شوند و سازمان های بازرسی و نهادهای مدنی فرآیند ها را تعقیب کرده و نسبت به آنها واکنش نشان دهند. اگر چنین شود یک روش قابل قبول میوه مطلوبش را خواهد داد.

آنها که با صداقت و درستی وارد این میدان می شوند باید بدانند جنگ با عادات زمانه کیفر ندارد و تخمین یک فرزندگ آنها با حوصله و بردباری قابل دستگیری است. کسانی که این دو مولفه را در خود نبرورده اند، بهتر آن است که کار را نیمه تمام رها سازند.

محمد آقا زاده